

## درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

موضوع جزئی: آیه ۵۷- بخش سوم: «و ما ظلمونا ولكن كانوا انفسهم يظلمون» -

مطلب اول تا پنجم

تاریخ: ۲۴ مهر ۱۴۰۳

مصادف با: ۱۱ ربیع الثانی ۱۴۴۶

جلسه: ۵

### الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين

**بخش سوم: «وَمَا ظَلَمْنَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»**

بحث در آیه ۵۷ سوره بقره بود؛ عرض کردیم این آیه مشتمل بر سه بخش است. تفسیر این دو بخش را ذکر کردیم. تفسیر بخش سوم باقی مانده که ان شاء الله در این فرصت کوتاه این را هم ذکر کنیم.

#### مطلب اول

یک مطلبی در مورد این بخش وجود دارد که ظلمی که در این قسمت از آیه به آن اشاره، آیا به دلیل نادیده گرفتن خصوص این دو نعمت اخیر و ناسپاسی نسبت به این دو است یا اعم از این دو نعمت و نعمت‌های پیشین؟ اینکه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «وَمَا ظَلَمْنَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»، اشاره دارد به اینکه آنها به ما ظلم نکردند و لكن به خودشان ظلم کردند. منظور از این بخش چیست؟

#### دو احتمال

اینجا می‌خواهد بفرماید علی‌رغم نعمت، بنی اسرائیل ناسپاسی کردند (حالا خواهیم گفت که در این ناسپاسی دو احتمال وجود دارد)، اما آیا ناسپاسی نسبت به این دو نعمت بوده است یا اعم از آن؟

احتمال اول: اگر این احتمال را در نظر بگیریم، معنایش این است که اینها با اینکه گرفتار تحبیر و سرگردانی شده بودند، از گرسنگی و تشنگی در آن بیابان بی‌آب و علف و سوزان سرگردان شده بودند، ما بر اینها هم آن سایه‌بان را قرار دادیم و هم من و سلوی را نازل کردیم؛ اما اینها به جای اینکه از آن نعمت‌ها به اندازه استفاده کنند، زیاده‌روی کردند. خداوند به آنها فرموده بود: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» و عرض کردیم این در واقع نهی از ذخیره‌سازی و زیاده‌روی در اکل بود؛ اما آنها هم ذخیره می‌کردند و هم اسراف می‌کردند و هم زیاده‌روی در اکل داشتند. پس ظلم بنی اسرائیل در خصوص این دو نعمت، اینگونه تطبیق داده می‌شود که آنها نسبت به این دو نعمت ناسپاسی کردند، به این معنا که نه قدر تظلیل را دانستند و نه قدر انزال من و سلوی را. این ناسپاسی مخصوصاً در مورد من و سلوی این بود که زیادتر از آن مقداری که نیاز داشتند، اخذ می‌کردند و آن را ذخیره می‌کردند، در حالی که از این کار باز داشته شده بودند.

احتمال دوم: احتمال دیگر اینکه ظلم بنی اسرائیل در واقع به معنای ناسپاسی در مقابل همه نعمت‌ها دانسته شود و نه خصوص این دو نعمت اخیر. تا اینجا عرض کردیم هفت یا هشت یا نه نعمت را خداوند به بنی اسرائیل عطا کرده، اما

آنها قدرشناس هیچ‌کدام از این نعمت‌ها نبودند و ناسپاسی کردند. طبیعتاً اگر کسی نسبت به منعم ناسپاسی کند، ظالم محسوب می‌شود؛ ظلم اینها در واقع همان ناسپاسی زبانی و عملی، گفتاری و رفتاری در برابر خداوند متعال و منعم بود که باز هم گله و شکایت و ناشکری، و عملاً هم به سوی کفر بازمی‌گشتند و از توحید عدول می‌کردند و مجموعه اموری که می‌دانید. پس از یک جهت این بخش از آیه محتمل برای دو وجه است؛ اینکه این ظلم نسبت به خصوص نعمت اخیر باشد یا مجموعه نعمت‌هایی که تا به حال گفته است.

#### مطلب دوم

مطلب دیگر، مربوط به اصل این ظلم و ناسپاسی است؛ این ناسپاسی به چه معناست؟ یک اشاره‌ای کردم. حالا ما چه جمله «وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» را برگردانیم به خصوص این دو نعمت اخیر یا همه نعمت‌ها، بالاخره این ظلم به جهت ناسپاسی است.

#### دو احتمال

همانطور که اشاره شد، در این ناسپاسی دو احتمال هست:

احتمال اول: این ظلم ممکن است به خاطر کفران نسبت به این نعمت‌ها باشد، حالا چه نعمت اخیر که فرمود «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ»، یعنی اینها به اندازه نخوردند و بیشتر خوردند، نباید ذخیره می‌کردند ولی ذخیره کردند، ظلم کردند و کفران نعمت کردند و چه همه نعمت‌ها. لذا کفران نعمت در واقع به معنای نادیده گرفتن نعمت‌های خداوند تبارک و تعالی است.

احتمال دوم: ممکن است اساساً مطلق تخلف از دستور الهی مقصود باشد. مثلاً وقتی کسی نعمتی را به دیگری می‌دهد و منعم او محسوب می‌شود، شکر بر او لازم است؛ ما در بحث‌های کلامی داریم که یکی از ادله وجوب اطاعت از خداوند تبارک و تعالی و کسانی که خداوند تبارک و تعالی معین کرده، وجوب شکر منعم است. بالاخره منعم لطفی کرده و ما باید قدردان باشیم و شکر منعم به اطاعت است، نه اینکه فقط به زبان بگوییم سپاس گزارم. شکر عملی و اطاعت از منعم، بالاترین مرتبه شکر و بلکه مرتبه لازم است. بر این اساس، یک احتمال در مورد ناسپاسی این است که علی‌رغم همه این نعمت‌ها و لطفی که خداوند به بنی اسرائیل کرد، اینها ناسپاس بودند و اطاعت نمی‌کردند و از دستورات الهی که به نفع خود آنها بود تخلف می‌کردند؛ این ناسپاسی در واقع ظلم به خودشان است. پس در این جهت هم دو احتمال وجود دارد.

البته اگر به لحاظ آیات بعدی در نظر بگیریم، ممکن است بگوییم «وَمَا ظَلَمُونَا» برمی‌گردد به همین دو نعمت اخیر؛ چون در ادامه اشاره به برخی از امور مربوط به آنها می‌کند، هر چند آیه بعدی ذکر یک نمونه و مصداقی از ناسپاسی‌ها و رفتار آنها را نشان می‌دهد. بنابراین می‌توانیم بگوییم این قسمت به یک معنا ناظر به همه نعمت‌های پیشین است و ناسپاسی بنی اسرائیل به همه نعمت‌های پیشین و اینکه علی‌رغم آن نعمت‌ها، آن هم پس از ناسپاسی‌های مکرر و عفو و

گذشت خدا از آنها، باز هم اینها دست از ناسپاسی برنداشتند.

این احتمال که ما این را به همه قبلی‌ها برگردانیم، به نظر می‌رسد احتمال ظاهرتر و بهتری باشد. چون عمده نعمت‌ها را تا اینجا ذکر کرده، بنابراین خداوند می‌خواهد بفرماید ما این همه به اینها نعمت دادیم و اینها در مقابل، ناسپاسی کردند. این هم یک مطلب در مورد عطف این جمله به خصوص دو نعمت اخیر یا نسبت به همه نعمت‌های پیشین.

#### مطلب سوم

خداوند تبارک و تعالی اینجا می‌فرماید: این ظلم، ظلم به خودشان بود و نه ظلم به ما، «وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ». این در واقع اشاره به یک امر واضح و روشنی دارد که این بیچارگان گمان کردند که به ما ستم می‌کنند؛ خیر! آنها به ما ستم نمی‌کنند و نکردند، بلکه به خودشان ستم کردند؛ چون همانگونه که ستم و ظلم از ناحیه خداوند تبارک و تعالی محال است، مظلوم واقع شدن برای خدا هم عقلاً محال است؛ یعنی هیچ کسی نمی‌تواند به خدا ظلم کند. هم ظالم بودن خدا محال است و هم مظلوم بودن خدا محال است؛ این مسئله مهمی است. به حسب توصیف و تعریفی که ما از قدرت مطلقه خداوندی داریم و او را وجود محض می‌دانیم، اساساً امکان ندارد که کسی بتواند به خدا ظلم کند. ستم‌پذیری و مظلومیت خداوند در عالم تکوین، قطعاً محال است. حالا در محدوده تشریعیات بله، تخلف از دستور خداوند، ظلم به خداوند است ولی اساساً هر جا ظلم به خداوند مطرح می‌شود، این بازگشت به خود ظلم‌کننده است و الا تکویناً ظلم به خداوند محال است. پس اینکه می‌فرماید: «وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»، این در واقع اشاره به یک حقیقتی دارد که عرض کردم هم از حیث ستمگری و هم از حیث ستم‌پذیری، نسبت به خداوند تبارک و تعالی محال است.

#### مطلب چهارم

مطلب چهارم اینکه خداوند تبارک و تعالی حصر کرده بازگشت ظلم را به خود ظالمان. می‌فرماید «وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»؛ اینها تنها و تنها به خودشان دارند ظلم می‌کنند؛ گمان نکنند که به ما ظلم می‌کنند و شما گمان نکنید که به ما ظلم می‌کنند، آنها تنها و تنها به خودشان ظلم می‌کنند. اصلاً نمی‌توانند به ما ظلم کنند چون محال است؛ حصر کرده ظلم را در خود آنها و عدم امکان ظلم به خداوند را. این حصر از این هیأت قابل استفاده است؛ خود نفی و اثبات در این جمله افاده حصر می‌کند؛ اینها تنها به خودشان ظلم کردند. همچنین دلیل دیگری که نشانه حصر است، تقدیم «انفسهم» بر «یظلمون» است؛ چون «انفسهم» مفعول است و تقدیم مفعول بر فعل، افاده حصر می‌کند.

#### مطلب پنجم

یک مطلب دیگر باقی مانده است. اینجا خداوند تبارک و تعالی از خطاب به غیبت عدول فرمود؛ تا اینجا خطاب به بنی اسرائیل بود؛ فرمود: «وَوَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى»، ما بر شما ابرها را به عنوان سایه‌بان قرار دادیم؛ «کلوا»، «ما رزقناکم»، اینها خطاب به بنی اسرائیل است. اما اینجا ناگهان خطاب تغییر می‌کند؛ یعنی بنی اسرائیل

مخاطب نیست بلکه به صورت غیبت ذکر می‌شود و می‌فرماید: آنها به ما ظلم نکردند بلکه فقط به خودشان ظلم کردند. عدول از خطاب به غیبت، به چند جهت قابل توجیه است:

۱. اینکه به نوعی می‌خواهد عدم لیاقت آنها را نشان بدهد؛ یعنی کأن ارزش مخاطب قرار گرفتن ندارند. اول خطاب به خود آنان است، بعد می‌گوید خودشان این کار را کردند؛ اینجا نمی‌گوید ما به اینها گفتیم شما به خودتان ظلم کردید. پس اساساً می‌خواهد شأن و منزلت آنها را کم کند.

۲. تا اینجا در مقام نقل برای پیامبر(ص) بود؛ از اینجا به بعد می‌خواهد از آن قضایا برای مردم زمان پیامبر(ص) استفاده کند. هشدار بدهد که آنها این کارها را کردند ولی فقط به خودشان ظلم کردند و به ما ظلم نکردند.

۳. اینکه ناسپاسی آنها استمرار داشت؛ می‌گوید این همه نعمت می‌دادیم ولی آنها تخلف و ناسپاسی می‌کردند؛ ولی به خودشان ظلم کردند. «کانوا» و «یظلمون» دلالت بر استمرار می‌کند؛ یعنی آنها در این ناسپاسی مستمر بودند. خود این استمرار، صلاحیت و شایستگی آنها را برای مخاطب قرار دادن سلب می‌کند.

در واقع اینجا خداوند تبارک و تعالی به پیامبر(ص) و اصحاب پیامبر(ص) می‌خواهد بفرماید که شما امیدوار باشید، یهودیان زمان پیامبر(ص) مراقب باشند که اگر ناسپاسی کنند، جزای آن را خواهند دید. این هم امید به رسول خدا(ص) و اصحاب رسول خدا(ص) است و هم هشدار نسبت به یهودیان زمان پیامبر(ص)، که اگر این چنین کنند، این ظلم به خودشان است نه ظلم به ما.

### **بحث جلسه آینده**

با توجه به این مطالب، انشاءالله جلسه آینده آیه ۵۸ را شروع خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»